



## دیدن داعشی‌ها از نزدیک

**🔴 قبل از پردن سریال خانه‌امن جلوی دوربین، آیا از قبل داعشی دیده یا صحنه بازجویی‌های امنیتی را از نزدیک تماشا کرده بودید تا با فضای ذهنی روشن سراغ این موضوع بروید؟**

**معظمی:** در زمان ساخت سریال سارق روح که به مفاهیم داعش و فرقه‌ها پرداخته می‌شد، از تهیه‌کننده خواهمش کرده بودم شرایطی فراهم کند تا داعشی‌ها را از نزدیک ببینم و در همان مقطع توانستم دو داعشی را در زندان ملاقات کنم. بنابراین این اتفاق هنگام ساخت آن سریال افتاده بود. درباره صحنه‌های بازجویی هم باید تاکید کنم که با مشاوره آقای اصفهانی، ساعت‌ها در این باره گپ و گفت داشتیم و به نگاه مشترک رسیدیم و چنین صحنه‌هایی را در سریال‌های سارق روح، ترور خاموش و خانه‌امن داشتیم. در اجرای صحنه‌های بازجویی، میحث دیالوگ و هوش بازجو و متهم مطرح است که گاهی بازجو برنده می‌شود و برخی مواقع متهم. بنابراین درآوردن این صحنه‌ها سختی‌های خودش را داشت و ما با مشاوره آقای اصفهانی این مبحث را حل کردیم.

**🔴 قصه سریال سال ۹۵ می‌گذرد و اردوگاه اشرف سال ۹۲ تعطیل شده اما در بخشی از سریال نشان داده می‌شود که کمال از یک عراقی می‌خواهد تا یکی از منافقان (رحیم نوروزی) را از اردوگاه فراری بدهد تا به اطلاعات برسند. این موضوع با این بخش از تاریخ مغایرت ندارد؟**

**معظمی:** رحیم نوروزی که نقش منافق را بازی می‌کند به‌هیچ‌وجه از اردوگاه اشرف آزاد نشده، بلکه ما از اردوگاهی حرف می‌زنیم که تعدادی را به آنجا تبعید کرده‌اند. قصه جلوتر پیش برود، مشخص می‌شود؛ ضمن این‌که کسانی که با قضیه منافقان آشنا هستند، متوجه شدند که اردوگاه اشرف نیست. باید به این موضوع هم تاکید کنم که ما به‌هیچ‌وجه صداگذاری درباره جو بایدن به سریال اضافه نکردیم. طرح فیلمنامه سریال خانه‌امن قبل از سریال ترور خاموش توسط آقای اصفهانی تحقیق و پژوهش شده بود و بعد از کامل شدن طرح، تولید شد. به نظر باید بینندگان صبور باشند چون هر چه قصه جلوتر می‌رود گره‌ها باز می‌شود.

## ماجرای یک عمه فداکار!

**🔴 عمه قصه سریال خانه‌امن عقبه‌ای ندارد و به مخاطب اطلاعاتی داده نمی‌شود که گذشته عمه چطور بوده که بعد از فوت زن برادرش به خانه برادرزفته و بچه‌های او را بزرگ کرده‌است. وقتی فیلمنامه را می‌خواندید چنین سؤالاتی برایتان شکل نگرفت که ماجرا چیست؟**

**خداوردی:** قبلا سر کار دیگری خدمت آقای معظمی بودم و بازگردانی و گروه را دوست داشتم و از کار کردن کنار آقای معظمی همیشه لذت بردم. اتفاقا درباره این مساله با آقای معظمی صحبت کردم که بهتر است عمه عقبه‌ای داشته باشد و این‌طور نقش درست نیست، اما از آنجا که مبنای فیلمنامه، موضوع اتفاقات امنیتی بود این امکان وجود نداشت که بیشتر از این به عمه پرداخته شود و من هم به‌ناچار و به احترام آقای معظمی سکوت کردم و به راه ادامه دادم. (با خنده)

**🔴 اما می‌شد در قالب چند دیالوگ عقبه‌ای از قصه‌ها بشنویم.**

**خداوردی:** خیلی تلاش کردم این اتفاق بیفتد. البته در بخش‌هایی انجام شد، زیرا ما عمه قصه را می‌بینیم که بچه‌های کمال را بزرگ کرده و زمان‌هایی که کمال نیست، حضور عمه در خانواده پررنگ است و مراقب بچه‌های کمال است.

**زندگانی:** مگر عقبه‌ای از افشین در قصه می‌بینیم؟ تام کروز هم در فیلم مأموریت غیرممکن عقبه‌ای نداشت. اتفاقا وقتی قرار شد من نقش افشین را در سریال بازی کنم به شوخی به آقای معظمی گفتم یک بار را اجازه بدهید در قصه مجرد باشم (با خنده). حرف قصه چیز دیگری است و نیازی نیست که مخاطب عقبه همه شخصیت‌های قصه را بداند. در واقع این کنجکاوی مخاطب است که می‌خواهد عقبه عمه را بداند وگرنه ضرورتی ندارد. درام این نیست که عقبه همه شخصیت‌ها نشان داده شود.

باید بدانیم موضوع اصلی قصه چیست و روی آن تمرکز کنیم. مثلا درصحنه‌ای کمال از جنگ و حضورش در آن حرف می‌زند. پس برای این صحنه باید فلاش‌بک جنگ را نشان می‌دادیم؟

**🔴 نه، نیازی نبود جنگ نشان داده شود. همین یک دیالوگ به شخصیت کمال شناسنامه می‌دهد و مخاطب می‌داند عقبه کمال چیست. همین اتفاق می‌توانست درباره عمه بیفتد و مخاطب در قالب چند دیالوگ عقبه او را بداند.**

**زندگانی:** وقتی موضوع سریال امنیتی است، بنابراین نیازی نیست ما از همه شخصیت‌ها عقبه ارائه بدهیم. درام اصولی دارد و تا جایی که لازم باشد، اطلاعات ارائه می‌شود. چه فرقی می‌کند مخاطب بداند کمال با دخترعمویش ازدواج کرده یا نه. قرار نیست به همه کنجکاوی‌های مخاطب پاسخ بدهیم.

**خداوردی:** همین‌که عمه قصه از کودکی مراقب فرزندان کمال بوده، نشان می‌دهد عقبه‌ای دارد.

**جاللی:** در هر قصه هم شخصیت‌های مثبت داریم و هم منفی و قرار نیست همه عقبه داشته باشند. عمه، محسن و زهره، پیشینه کمال هستند. همچنین یک عده شخصیت‌ها فدایی شخصیت اصلی هستند. عمه و بچه‌ها فدایی کمال هستند. قرار نیست همه کاملاً با پیشینه تعریف شوند. من نقش سعید را بازی کردم، قرار نیست مخاطب بداند گذشته سعید چطور بوده تا به داعش رسیده‌است اما در بخش‌هایی از صحنه می‌بینیم سعید به مادرش هم‌فکر می‌کند و این هم یعنی گرا دادن به مخاطب که شخصیت شناسنامه‌ای دارد.

**معظمی:** ما در قسمت‌های اول نشان دادیم چطور بیژن قصه به داعش پیوست و خانواده بیژن را نشان می‌دهیم و مشکلات خانوادگی‌اش اما پیشینه زیادی از بقیه داعشی‌های قصه نمی‌گوییم، چون اگر این‌طور باشد، تعداد قسمت‌های سریال خیلی بالا می‌رود و نمی‌شود تا این میزان آن را کش داد.



## تولید مستند «جهاد زراعی» به همت دفتر نمایندگی رسانه ملی در بیروت

به منظور تحقق منویات مقام معظم رهبری درخصوص اقتصاد مقاومتی و تدابیر رئیس سازمان صداوسیما مبنی بر فعالیت امور بین‌الملل در زمینه ترویج خودکفایی و اتکا به توان داخلی در تولید محصولات استراتژیک، دفتر نمایندگی رسانه ملی در بیرو مستند «جهاد زراعی» را تولید کرد.

## چالش‌های یک داعشی باهوش



**🔴 سریال با شروع کوپنده عملیات‌های امنیتی شروع شد و تماشای این عملیات‌ها برای مخاطب ایجاد توقع کرد که در طول سریال بیشتر شاهد عملیات‌ها باشند، ولی چرا به مرور شاهد دیالوگ‌هایی میان کمال و افشین به عنوان مأموران امنیتی و اتاق فکر عملیات‌ها شدیم؟**

**معظمی:** خانه‌امن یک سریال اکشن و پلیسی نیست که ما مرتب صحنه‌های اکشن قرار می‌دادیم. هدف ما از ساخت این سریال چیز دیگری است و در قالب این اثر اطلاعات مهم و بسیار به‌روز در اختیار مردم قرار می‌دهیم. ما به بحث تروریسم اشاره می‌کنیم و این‌که گروه‌های تروریستی علیه ایران سازماندهی می‌شوند. هدف خانه‌امن باز کردن اطلاعات و پیام‌های جعبه سیاه تروریست‌ها است. اگر به خودم بود حتی این صحنه‌های اکشن را نمی‌گذاشتم، چون می‌خواهیم داده‌های بسیار مهم‌تر در اختیار مخاطبان قرار بدهیم. علاوه بر آن درآوردن صحنه‌های درگیری به‌هیچ‌وجه کار راحتی نیست. هم زمانبر و هم هزینه‌بردار است. درآوردن صحنه‌های درگیری دو خانه‌ای که ما در سریال داشتیم مثل صحنه جنگ بود. اگر به دیالوگ‌هایی که در سریال خانه‌امن رد و بدل می‌شود، توجه کنید، متوجه می‌شوید که اهمیت دارد و ما می‌خواهیم به مردم آگاهی بدهیم.

**🔴 اما گاهی دیالوگ‌ها به حدی زیاد می‌شود که از حوصله مخاطب خارج می‌شود.**

**معظمی:** این‌طور نیست و دیالوگ‌ها برای مردم جعبه سیاه تروریست‌ها را باز می‌کند. اتفاقا یکی از بخش‌های تاثیرگذار سریال خانه‌امن، دیالوگ‌هایش است.

**🔴 در صحنه‌های بازجویی کمال از ابوعمار، شاهد دیالوگ‌های کمال هستیم و ابوعمار مرتب تاکید دارد که اعدامش کنند. بعد کمال در یکی از صحنه‌ها و پیش مدیررده بالایش (حسین سحرخیز) می‌گوید که ابوعمار شعار می‌دهد و هر که بیشتر شعار می‌دهد، زودتر می‌شکند. اما ما اصلا نمی‌بینیم که ابوعمار شعار بدهد.**

**نجفی:** ابوعمار آدم باهوشی است و نمی‌خواهد اطلاعاتی بروز بدهد، بنابراین طبیعی است کمال از هر حربه‌ای استفاده کند تا بتواند از ابوعمار اطلاعات کسب کند. به همین دلیل کمال در صحنه‌های بازجویی بیشتر صحبت می‌کند که اتفاقا در یکی از صحنه‌ها مشخص می‌شود بعد از تحریک کمال، ابوعمار در حرف‌هایش سوتی می‌دهد.

**زندگانی:** طبیعی است وقتی بازجو با سکوت متهم روبه‌رو می‌شود، صحبت می‌کند تا بتواند متهم را تحریک به حرف زدن کند. شما در فیلم‌های آمریکایی هم می‌بینید که وقتی متهم دستگیر می‌شود به او می‌گویند که می‌تواند تا آمدن وکیل حرف نزند، اما با این حال به بازجویی خودشان ادامه می‌دهند. به لحاظ دراماتیک باید بازجو حرف بزند تا بتواند سکوت متهم را بشکند و متهم از همان اول حرف نمی‌زند تا هدف بازجو مرتفع شود. این روند کاملاً طبیعی است که متهم حرف نزند.

## سراغ کلیشه‌ها نرفته‌ایم

**🔴 در یکی از صحنه‌ها وقتی کمال خبر دزدیده شدن فرشته را به خواهرش می‌دهد، مان‌نگری را در چهره عمه قصه نمی‌بینیم.**

**خداوردی:** قرار نیست همه سکانس‌ها گریه یا نگرانی در چهره باشد. من در این صحنه سعی کردم با لرزش صدا و دست‌نشان بدهم نگران شده‌ام، ولی از آنجا که عمه قصه، شخصیت محکمی دارد و همیشه در شرایط سخت درست عمل می‌کند و از طرف دیگر پزشک است، بنابراین نباید مثل نسرين قصه که متوجه دزدیده شدن فرشته می‌شود، غش کند. باید هر یک از شخصیت‌ها متناسب با ویژگی‌های رفتاری‌شان عکس‌العمل نشان بدهند.

**زندگانی:** همین‌که عمه پای رفتن ندارد که به خانواده عروس اطلاع بدهد، یعنی یک واکنش. قرار نیست همه چیز را با اکت ببینید.

**🔴 ولی در جاهایی هم واکنش بازگر زیاد می‌شود. مثلاً رفتارهای نسرين، مادر فرشته خیلی گل‌درشت است.**

**زندگانی:** اتفاقا رفتار نسرين کاملاً درست و بجاست. در دیالوگ‌ها می‌شنویم نسرين زمان بمباران تنها کنار دخترش بوده و شوهرش حضور نداشته‌است، اما وقتی فرزندش را می‌دزدند، دیگر از جایی می‌برد و واکنش‌های دیگری دارد.

**معظمی:** قرار نیست ما سراغ کلیشه‌ها برویم. هر یک از شخصیت‌های قصه، رفتارهای درست و بجا دارند. زن قاضی همیشه شخصیت محکمی داشته، حتی در جاهایی که همسرش نبوده، مدیریت کرده اما وقتی بچه‌اش دزدیده می‌شود، به هم می‌ریزد. من در این سریال به سراغ کلیشه‌هایی نرفته‌ام که مخاطبان عادت به تماشایش دارند یا کاری نبود که با پنج بازیگر روبه‌رو باشم. خانه‌امن، جزو سریال‌های پرشخصیت و پرلوکیشن بود و همه درست و سر جایشان چیده شدند و هیچ‌کس واکنش اضافه یا کم در بازیش نداشته‌است. ترکیب هر یک از بازیگران درست است. مثلاً اگر کمال و افشین کنار هم قرار نمی‌گرفتند تا این میزان خوب دیده نمی‌شد یا ترکیب پیام یا تابان یا محسن، فرشته و... بنابراین همه شخصیت‌ها درست طراحی و شخصیت‌پردازی شدند و همه با جان و دل کار کردند.

**رحیمی:** یکی از علاقه‌مندی‌های من نسبت به سریال خانه‌امن این است که هیچ‌کدام از بازیگران برای بازی به سراغ کلیشه‌های قدیمی نرفته‌اند.



دفتر نمایندگی سازمان در بیروت با تولید مستند جهاد زراعی که به زودی روی آنتن سیما می‌رود به اقدام جهادی حزب ا... لبنان برای عدم وابستگی به محصولات کشاورزی خارجی می‌پردازد.

در مستند جهاد زراعی ضمن پرداختن به ظرفیت‌های بسیار بزرگ کشاورزی

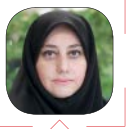
در لبنان از عمق نگاه راهبردی دبیرکل حزب... در توجه به خودکفایی در تولیدات کشاورزی به عنوان ستون اقتصاد پایدار در این کشور صحبت شده که قطعا می‌تواند الگویی مناسب برای همه کشورهای محورمقاومت باشد. / جام‌جم دیل



## گفت‌وگو با کارگردان و بازیگران سریال

# اسرار خ

از نظر مردم دور نمی‌ماند و نسبت به هر بخش از سریال دیدگاه‌های مثبت و منفی‌شان را ارائه می‌کنند. این سریال به کارگردانی احمد معظمی و تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری به تهدیدات داعش و حمایت کشورهای غربی و کمک‌های مالی منطقه‌ای می‌دهد، زودتر می‌شکند. اما هستیم و حتی یک پلان از این سریال هم



فاطمه عودباشی رسانه

## مولای درز قصه و شخصیت‌های خانه‌امن نمی‌رود



**🔴 ولی این سؤال مطرح می‌شود که چرا مأموران امنیتی قبل از ورود ابوعمار به خانه او را نمی‌گیرند، زیرا وقتی ابوعمار به گروه ملحق می‌شود هیچ عملیاتی رخ نمی‌دهد و در صحنه‌ای نشان می‌دهد که برای نیروهایش خطابه می‌کند.**

**معظمی:** برای این‌که مأموران امنیتی دنبال کسب اطلاعات بیشتر و رسیدن به سرشاخه‌ها هستند. حتی کمال در یکی از دیالوگ‌هایش می‌گوید آیا کلید خانه تیمی آنها را دارند و نیروهایش می‌گویند نه، چون به محض ماندن در خانه کلیدها را عوض کردند. تمام کارهای مأموران امنیتی حساب و کتاب دارد و این‌طور نیست بی‌محابا عملیات انجام بدهند. وقتی ابوعمار وارد خانه تیمی می‌شود به ساختمان نیمه‌کاره مشکوک می‌شود و از نیروهایش می‌خواهد که ساندویچ بخرند و سری به این ساختمان بزنند و همه جا را بررسی کنند، بنابراین هوشمندی ابوعمار را در صحنه‌های مختلف می‌بینیم. آقای اصفهانی همه بخش‌ها را با شناخت خوبی که از داعش دارد، مشاوره داده و مولای درز قصه و شخصیت‌ها نمی‌رود.

ضمن این‌که مأموران امنیتی هم هوشمندی‌های خودشان را دارند و کمال سناریویی برای حمله طراحی می‌کند تا صحنه حمله، سندی باشد برای حرف کشیدن از ابوعمار، زیرا اگر این فیلم به دست داعشی‌ها برسد، قطعا ابوعمار را تکه تکه خواهند کرد به‌دلیل ضعفی که داشته‌است. بله مأموران می‌توانستند زودتر هم ابوعمار را بگیرند اما هدف رسیدن به سرشاخه‌هاست نه گرفتن صرف ابوعمار. می‌خواهند به بالادستی‌ها برسند.